

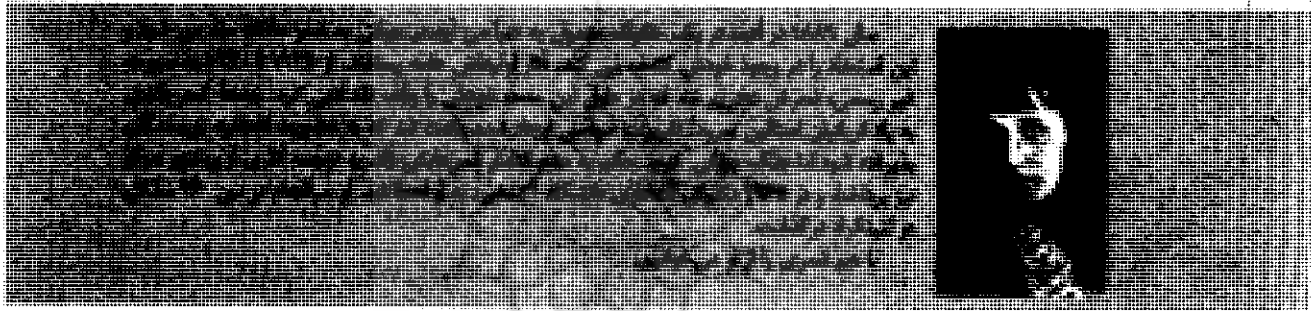
شعر معاصر جهان

آنا آخماتووا

Akhmatova Anna

۱۸۸۹-۱۹۶۵ روسیه - اوکراین

Akhmatova Anna



The door is half open
The lime trees wave sweetly ...
On the table ,forgotten
A whip and a glove.

The lamp casts a yellow circle ...
I listen to the rustling
Why did you go
I don't understand

Tomorrow the morning
Will be clear and happy.
This life is beautiful
Heart, be wise

You are utterly tired
You beat calmer ,duller...
You know ,i read
That souls are immortal

آنا آخماتووا

در نیمه باز است
در نیمه باز است
آهسته تکان می خورند درختان لیمو ترش
جامانده

بر این میز
یک دستکش ، یک نسمه ی چرمی
یک هاله ی زرد است دور لامپ
من گوش دارم به صدای خش و خش برگهای خشک
چرا رفتی؟

نمی فهمم
فردا صبح
روشن، شاد
خواهد بود

و زندگی زیبا
هشیار باش ای قلب
اکنون تو هستی کاملاً خسته
ومی تویی آرام تر و کند تر از پیش....
می دانی!
پس برده ام که
روح نامیراست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
راهنمای جامع علوم انسانی

مایا آنجلو میسوری Maya angelou Maya angelou

مایا آنجلو شاعر، نویسنده، فریبختگار، نمایش‌نامه‌نویس و کارگردان، در ۲ آوریل ۱۹۲۸ در سینت لوئیس میسوری به دنیا آمد. نام اصلی اثر مارگارت جانسون بود. نام مایا آنجلو را در ۲۰ سالگی از پدر خود گذاشته بود. با کتاب (ز من خاتم که چرا پرندگی‌های قفسی آواز می‌خوانند) به شهرت رسید. نخستین اثر ادبی مایا آنجلو همین کتاب می‌باشد که چرا پرندگی‌های قفسی آواز می‌خوانند است که شرح زندگی خود نوشت و نام آن را از کتاب میسوری، بل آرتس شاعر میثاق پوست الهام می‌گیرد. او نامزد هنرستان جانز وولترز سال ۱۹۷۲ شده و دکترهای افتخاری بسیاری از دانشگاه‌های مختلف دریافت کرده است. چهارم مطبوعاتی خانه زبان در سال ۱۹۷۳ نیز به او تعلق گرفته بود. او به چندین زبان از جمله انگلیسی، فرانسوی، اسپانیولی، آفریقایین و عبره مسلط است.

با هم شعری را از او می‌خوانیم:

مایا آنجلو
بعد گمشده
قابله‌ها و کفن‌ها
خوب می‌دانند
که زایش دشوار است
و مرگ فرومایه است
و زندگی تنها آزمونی در این میانه است
چرا با شکایت و غرولند
سفر می‌کنیم
چون هیاهویی
در دل ستارگان؟
آیا بعدی گم شده است؟
بعد گمشده عشق نیست؟
متن اصلی شعر
Maya angelou

Midwives and winding sheets
Know birthing is hard
And dying is mean
And living s a trial in between .
Why do we journey. muttering
Like rumors among the stars
Is a dimension lost
Is it love

کتاب‌ها:

می‌دانم که چرا پرندگی‌های قفسی آواز می‌خوانند ۱۹۷۵
به نام من گرد هم آییم ۱۹۷۳
خواندن، رقصیدن و ماندن کریسمس شاد بودن ۱۹۷۶
قلب یک زن ۱۹۸۱
همه افراد بشر به کفش‌های سفر محتاجند ۱۹۸۶
آواز بر شده بر گردون ۲۰۰۲
اشعار:
مجموعه کامل اشعار مایا آنجلو ۱۹۹۳
راهبه چرا نمی‌خوانی؟ ۱۹۸۳
هنوز می‌توانم برخیزم ۱۹۷۸
خدایا! بل‌های من زخمی است ۱۹۷۵
جرعه‌ای نوشیدنی خنکم بدهید دارم می‌میرم ۱۹۷۱
نمایشنامه:
هنوز می‌توانم برخیزم ۱۹۷۶
آزاکس ۱۹۷۳
کمترینشان ۱۹۶۶
کاباره آزادی ۱۹۶۰
مقالات:
حتی اختران هم تنها به نظر می‌رسند ۱۹۹۸

English Title (Year)	فارسی (سال)
Heart and Soul (1968)	قلب و جان (۱۹۶۸)
And the Sea Beyond (1975)	و دریا را فراتر (۱۹۷۵)
Black Power (1969)	قدرت سیاه (۱۹۶۹)
Black Beauty (1971)	زیبایی سیاه (۱۹۷۱)
Black Blood (1972)	خون سیاه (۱۹۷۲)
Black Fire (1973)	آتش سیاه (۱۹۷۳)
Black Light (1974)	نور سیاه (۱۹۷۴)
Black Love (1975)	عشق سیاه (۱۹۷۵)
Black Power (1976)	قدرت سیاه (۱۹۷۶)
Black Soul (1977)	جان سیاه (۱۹۷۷)
Black Spirit (1978)	روح سیاه (۱۹۷۸)
Black Heart (1979)	قلب سیاه (۱۹۷۹)
Black Mind (1980)	ذهن سیاه (۱۹۸۰)
Black Blood (1981)	خون سیاه (۱۹۸۱)
Black Fire (1982)	آتش سیاه (۱۹۸۲)
Black Light (1983)	نور سیاه (۱۹۸۳)
Black Love (1984)	عشق سیاه (۱۹۸۴)
Black Power (1985)	قدرت سیاه (۱۹۸۵)
Black Soul (1986)	جان سیاه (۱۹۸۶)
Black Spirit (1987)	روح سیاه (۱۹۸۷)
Black Heart (1988)	قلب سیاه (۱۹۸۸)
Black Mind (1989)	ذهن سیاه (۱۹۸۹)
Black Blood (1990)	خون سیاه (۱۹۹۰)
Black Fire (1991)	آتش سیاه (۱۹۹۱)
Black Light (1992)	نور سیاه (۱۹۹۲)
Black Love (1993)	عشق سیاه (۱۹۹۳)
Black Power (1994)	قدرت سیاه (۱۹۹۴)
Black Soul (1995)	جان سیاه (۱۹۹۵)
Black Spirit (1996)	روح سیاه (۱۹۹۶)
Black Heart (1997)	قلب سیاه (۱۹۹۷)
Black Mind (1998)	ذهن سیاه (۱۹۹۸)
Black Blood (1999)	خون سیاه (۱۹۹۹)
Black Fire (2000)	آتش سیاه (۲۰۰۰)
Black Light (2001)	نور سیاه (۲۰۰۱)
Black Love (2002)	عشق سیاه (۲۰۰۲)
Black Power (2003)	قدرت سیاه (۲۰۰۳)
Black Soul (2004)	جان سیاه (۲۰۰۴)
Black Spirit (2005)	روح سیاه (۲۰۰۵)
Black Heart (2006)	قلب سیاه (۲۰۰۶)
Black Mind (2007)	ذهن سیاه (۲۰۰۷)
Black Blood (2008)	خون سیاه (۲۰۰۸)
Black Fire (2009)	آتش سیاه (۲۰۰۹)
Black Light (2010)	نور سیاه (۲۰۱۰)
Black Love (2011)	عشق سیاه (۲۰۱۱)
Black Power (2012)	قدرت سیاه (۲۰۱۲)
Black Soul (2013)	جان سیاه (۲۰۱۳)
Black Spirit (2014)	روح سیاه (۲۰۱۴)
Black Heart (2015)	قلب سیاه (۲۰۱۵)
Black Mind (2016)	ذهن سیاه (۲۰۱۶)
Black Blood (2017)	خون سیاه (۲۰۱۷)
Black Fire (2018)	آتش سیاه (۲۰۱۸)
Black Light (2019)	نور سیاه (۲۰۱۹)
Black Love (2020)	عشق سیاه (۲۰۲۰)
Black Power (2021)	قدرت سیاه (۲۰۲۱)
Black Soul (2022)	جان سیاه (۲۰۲۲)
Black Spirit (2023)	روح سیاه (۲۰۲۳)
Black Heart (2024)	قلب سیاه (۲۰۲۴)
Black Mind (2025)	ذهن سیاه (۲۰۲۵)

خورخه لوییس بورخس

Jorge Luis Borges

(۱۸۹۹ بویلوس آیرس)

Jorge Luis Borges

خورخه لوییس بورخس در بیونس آیرس آرژانتین در ۲۳ اکتبر ۱۸۹۹ میلادی متولد شد. او از کودکی به مطالعه و نوشتن پرداخت و در جوانی به نوشتن داستان‌های کوتاه و رمان‌ها پرداخت. او در سال ۱۹۲۳ به فرانسه مهاجرت کرد و در پاریس به نوشتن و تدریس پرداخت. او در سال ۱۹۵۵ به آرژانتین بازگشت و در سال ۱۹۸۶ در آنجا درگذشت. او یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان جهان است که آثارش به بیش از ۵۰ زبان ترجمه شده است.

او در سال ۱۹۳۹ به آرژانتین بازگشت و در سال ۱۹۵۵ به فرانسه مهاجرت کرد. او در سال ۱۹۵۵ به آرژانتین بازگشت و در سال ۱۹۸۶ در آنجا درگذشت. او یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان جهان است که آثارش به بیش از ۵۰ زبان ترجمه شده است.



خورخه لوییس بورخس

ما در پلازا، همدیگر را بدرود گفتیم
 در پیاده روی آن طرف خیابان
 من روی بر گرداندم
 و پشت سرم را کلویدم
 تو بر می گشتی
 و دستانت خدا حافظی ات، در اهتزاز بود
 رودخانه ای از وسایل نقلیه
 از میان ما می گذشت
 ۶ بعد از ظهر بود
 آیا نمی دانستیم
 که از پس آن رودخانه ی دوزخی غمبار
 دیگر هرگز همدیگر را نخواهیم دید
 ما همدیگر را گم کردیم
 و یک سال بعد تو مرده بودی
 و من حالا
 یادهایم را می کاوم
 و خیره بدانها می نگرم
 و فکر می کنم که این اشتباه است
 که انسان با خدا حافظی جزئی

مبتلای جدایی بی نهایت شود
 شب قبل، پس از شام
 بیرون نرفتم
 و سعی کردم چیزهایی بفهمم
 دوره کردم آخرین درسی را که افلاطون
 در دهان معلمش گذاشت
 خواندم که روح تواند گریزد چون جسم مرد
 روح نمی میرد
 گفتن بدرود برای انکار جدایی است
 آدم ها خدا حافظی را اختراع کردند
 زیرا فکر می کردند بی زوالند
 با اینکه می دانستند زندگی اشان را دوامی نیست
 در ساحل کتاب رودخانه
 این گفتگوی نامعلوم را فرو خواهیم گذاشت ؟
 آیا ما دوتن
 دلیا و بورخس
 اهل شهری نبودیم که یکبار در جلگه ها
 ناپدید شد ؟

توماس هاردی

Thomas Hardy

(1840-1928)

Thomas Hardy



(The Man He Killed
(From 'The Dynasts')

READ he and I but met
By some old enemy inn:
Was it he should have set us down to
Right merrily is rippled!

Set ranged as infantry,
And staring face to face,
I shot at him as he stood
Against him in the place.

I shot the dead because
Because he was my foe,
Just as my foe of course he was;
Although 'twas none the less

He thought he'd got, perhaps,
O'erland the lines I
Work was out of hand and he traps
No other reason why.

Well down, was quiet and calm as war
You should
But in your heart, what where any
Come to the stream

مردی که کشته شد

نگرم و تو
بی لجه خند ای قیدی
بافتی با همه بویید
فردا با خود من شستید
و بوییدن کرد با خود من خوردید
اما چون در جنگ پیش او سوار شدید
بجای خود فرود کردید
به روی خود نظر کشیدید

من به او شلیک کردم
و از جانی او کشیدم
چون زخم و کتک زیدم
فقط من بودم
ای کشته شدی و نفس من بود
و این حال بود پیش من بود
ای

ای مرد خسته چون من به جنگ
بود از پیش من بود
و من به او شلیک کردم
و من ای کاشی که از خود بی خود بودم

حکایتی از توماس هاردی
در مورد جنگی که در
سال ۱۸۵۵ میلادی در
بین دو ارتش بود
و در آن زمان
توماس هاردی
در ارتش بود



شاعرہ سرخپوست امریکائی

LINDA HOGAN

لیندا ہوگان (LINDA HOGAN) امریکی شاعرہ اور ناول نگار ہیں۔ ان کا شمار امریکی شاعروں میں ہوتا ہے۔ ان کی شاعری میں طبیعت اور انسانیت کے درمیان کی کشمکش اور انسانی وجود کی پیچیدگیاں نمایاں ہیں۔ ان کی شاعری میں ایک گہری دلچسپی اور دلچسپ لہجہ ہے۔ ان کی شاعری میں ایک گہری دلچسپی اور دلچسپ لہجہ ہے۔ ان کی شاعری میں ایک گہری دلچسپی اور دلچسپ لہجہ ہے۔

میں نے اپنے دل کی بات کہی ہے
 اور اسے سنا ہے
 اور اسے سنا ہے
 اور اسے سنا ہے
 اور اسے سنا ہے
 اور اسے سنا ہے
 اور اسے سنا ہے
 اور اسے سنا ہے
 اور اسے سنا ہے
 اور اسے سنا ہے

میں نے اپنے دل کی بات کہی ہے
 اور اسے سنا ہے
 اور اسے سنا ہے
 اور اسے سنا ہے
 اور اسے سنا ہے
 اور اسے سنا ہے
 اور اسے سنا ہے
 اور اسے سنا ہے
 اور اسے سنا ہے
 اور اسے سنا ہے

پتال جامع علوم برائے انسانی



giallo.
Gli ussati piombano di nuovo.
Il paese sembra un deserto e che tutto che
sui tavoli alcuni dati berlusconi a quella ora
della sera scolorita e silenziosa sul

Il paese sembra un deserto e che tutto che
sui tavoli alcuni dati berlusconi a quella ora
della sera scolorita e silenziosa sul
Il paese sembra un deserto e che tutto che
sui tavoli alcuni dati berlusconi a quella ora
della sera scolorita e silenziosa sul

Il nostro stile
Belle e Guanda un'idea religiosa e che
l'impugnare la notte nera, dentro le mura
della casa, nel silenzio, i propri spazi e
nel silenzio

Il nostro stile
Belle e Guanda un'idea religiosa e che
l'impugnare la notte nera, dentro le mura
della casa, nel silenzio, i propri spazi e
nel silenzio

Il nostro stile
Belle e Guanda un'idea religiosa e che
l'impugnare la notte nera, dentro le mura
della casa, nel silenzio, i propri spazi e
nel silenzio

Il nostro stile

Il nostro stile
Belle e Guanda un'idea religiosa e che
l'impugnare la notte nera, dentro le mura
della casa, nel silenzio, i propri spazi e
nel silenzio

Il nostro stile
Belle e Guanda un'idea religiosa e che
l'impugnare la notte nera, dentro le mura
della casa, nel silenzio, i propri spazi e
nel silenzio

Il nostro stile
Belle e Guanda un'idea religiosa e che
l'impugnare la notte nera, dentro le mura
della casa, nel silenzio, i propri spazi e
nel silenzio

Il nostro stile
Belle e Guanda un'idea religiosa e che
l'impugnare la notte nera, dentro le mura
della casa, nel silenzio, i propri spazi e
nel silenzio

Il nostro stile
Belle e Guanda un'idea religiosa e che
l'impugnare la notte nera, dentro le mura
della casa, nel silenzio, i propri spazi e
nel silenzio

Il nostro stile
Belle e Guanda un'idea religiosa e che
l'impugnare la notte nera, dentro le mura
della casa, nel silenzio, i propri spazi e
nel silenzio

Il nostro stile
Belle e Guanda un'idea religiosa e che
l'impugnare la notte nera, dentro le mura
della casa, nel silenzio, i propri spazi e
nel silenzio

